

## کارکرد تلمیح در طنز سروده‌های معاصر پس از انقلاب اسلامی

### Allusion in Contemporary Satirical Poems after the Islamic Revolution

\* Hamid Jafari Ghariyeh Ali

حمید جعفری قریه‌علی\*

#### Abstract

Allusion is a reference to a literary story, poetry, verse or Hadith that makes an association between the main story and an external incident. It is a metaphoric figure of speech that adds to linguistic aesthetics. Allusion has always been used by men of literature as it involves popular culture and traditional ideas. By recreating a situation, allusion provokes thoughtfulness in the reader and expands his scope of vision. The present study examines the role of allusion in promoting the rhetoric of contemporary poetry, creating values and comic situations. Results indicate that allusion is a highly influential figure in providing social and political critiques as the most important and frequent approach in satirical poetry. Moreover, use of allusion contributes to reproducing innovative and new images in contemporary poetry, which in turn helps create a more profound satirical atmosphere.

**Keywords:** allusion, satire, contemporary poetry

#### چکیده

تلمیح که اشاره به داستان، مثل، آیه، حدیث و شعر است، نوعی پیوند میان مطالب اصلی و داستان و واقعه‌ای را بیان می‌کند. این شگرد ادبی جنبه تشبیه یا استشهاد دارد و زیبایی کلام را می‌افزاید. با توجه به این‌که تلمیح در بردارنده فرهنگ عامه و عقاید و رسوم گذشته است، از دیرباز مورد توجه شعرای ادب فارسی بوده است. تلمیح در بازآفرینی صحنه‌ها ضمن برانگیختن مخاطب، در ارتقاء سطح اندیشگی او مؤثر است و میدان دیدش را وسعت می‌بخشد. همین موضوع، اهمیت و ضرورت بازخوانی این شگرد ادبی را نشان می‌دهد. با این توضیح، هدف پژوهش حاضر، بیان کارکرد تلمیح در بلاغت‌افزایی شعر معاصر، تشریح جنبه‌های معناآفرینی و تأثیر آن در ایجاد موقعیت‌های طنزگونه است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که این آرایه ادبی با نقشی که در آفرینش طنز دارد، در تبیین انتقادهای اجتماعی و سیاسی که از مهم‌ترین و پربسامدترین رویکردهای شعر طنز است، تأثیری بسزا گذاشته است. هم‌چنین تصرّف شعرای طنزپرداز در تلمیحات به نوآوری و خلق تصاویر جدید در شعر منجر شده است و این تصویرها نیز در ایجاد فضای طنزآمیز بسیار مؤثر بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تلمیح، طنز، شعر معاصر

\* Associate Professor, Department Persian Language and Literature, Vali-e-Asr University of Rafsanjan

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان  
hzer1345@yahoo.com

## ۱- مقدمه

تلمیح شگردی ادبی است که به داستان، مثل، آیه و حدیثی اشاره می‌کند. تلمیح را می‌توان چونان قطره‌ای دانست که دریایی در خود نهفته دارد. از آن‌جا که این شگرد ادبی در بردارنده فرهنگ عامه و عقاید و رسوم گذشته است، از دیرباز مورد توجه شعرای ادب فارسی بوده است.

از تلمیحات به‌ویژه در دوره معاصر برای بیان مقاصد سیاسی و اجتماعی بهره برده می‌شود و این موضوع در تغییر نگرش شاعران و شیوه به‌کارگیری تلمیحات تأثیرگذار بوده است. می‌توان گفت که شعرا متناسب با همدفی که دارند در ضمن اشاره به داستانی، شخصیت‌ها یا نتیجه کلی داستان را تغییر می‌دهند.

شاعران از تلمیح استفاده‌های متعددی کرده‌اند. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- بالا بردن خیر ۲- اغراق ۳- اشاره به حوادث تاریخی عصر ۴- ایجاز ۵- معنی آفرینی (ن.ک: شمیسا، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۹).

علاوه بر موارد یاد شده، شعرا از این آرایه، گاهی در آفرینش طنز بهره می‌برند. با توجه به نقشی که طنز در بیان مفاسد، کاستی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی دارد، می‌توان تلمیح را ابزاری مناسب در خدمت این کارکرد دانست. هدف از این پژوهش بیان برخی از قابلیت‌های تلمیح در سروده‌های ادب فارسی به‌ویژه طنزسروده‌هاست که در پژوهش‌های پیشین کم‌تر به آن‌ها توجه شده است. با این توضیح، تعریف و اهمیت جایگاه طنز در این مقدمه ضروری می‌نماید.

طنز نوعی تنبیه اجتماعی است و هدف آن اصلاح و تزکیه است؛ نه ذم و قدح و مردم‌آزاری. این نوع خنده، خنده علاقه و دلسوزی است؛ ناراحت می‌کند، اما ممنون می‌سازد و کسانی را که معروض آن هستند، به اندیشه و تفکر وامی‌دارد» (رزمجو، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۰۸).

شیوه خاص بیان مفاهیم تند اجتماعی و انتقادی و سیاسی و طرز افشای حقایق تلخ و تنفرآمیز از فساد و بی‌رسمی‌های فرد یا جامعه را که دم زدن از آن‌ها به صورت عادی و یا به صورت جدی ممنوع و متعذر باشد، در پوششی از استهزاء و نیشخند به منظور نفی کردن و برافکندن ریشه‌های فساد و موارد بی‌رسمی «طنز» می‌نامیم» (بهزادی‌اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۵).

طنزنویس هم مثل یک واعظ می‌خواهد دیگران را نسبت به امری تشویق و متقاعد کند؛ اما موقعیت او در قبال مخاطبانش سخت‌تر و ظریف‌تر از واعظان است. واعظ عمدتاً می‌کوشد که تقوا را به شنوندگانش بقبولاند؛ اما طنزنویس باید خوانندگانش را درباره رفتارها و انسان‌هایی که او بد می‌داند هم عقیده سازد» (پلارد، ۱۳۸۱: ۴).

این پژوهش بیشتر به طنزسروده‌های سه دهه اخیر می‌پردازد. بیش‌تر نمونه‌های این پژوهش از دو مجموعه شعر طنز معاصر انتخاب شده است: مجموعه شعرهای «قهوه قند پهلوی» (۱۳۹۳) و «یک بغل کاکتوس» (۱۳۸۸) به‌کوشش امید مهدی‌نژاد که می‌توان گفت بهترین نمونه‌های طنزسروده‌های معاصر را دربردارند. به همین دلیل در ارجاع به سروده‌ها در متن حاضر، ابتدا نام سراینده و سپس گردآورنده آمده است. دو موضوع اساسی در پیوند با هم، مورد توجه این پژوهش است: ۱- آرایه تلمیح ۲- طنز.

## ۱-۱- بیان مسئله

عملکرد زیبایی‌شناسی در پیوند با جنبه‌های ادبیّت کلام، همواره مطرح بوده و به‌عنوان بخشی از سنت‌های شعری در شکل‌گیری ادبیات و جهت‌دهی به آن نقشی تأثیرگذار داشته است. زیبایی‌آفرینی در واقع نوعی آفرینش تخیل است که ویژگی‌های شکلی اثر ادبی را می‌سازد.

اگر این توضیح را بپذیریم که «مطمئن‌ترین روش برای شعر جهت حل شدن در کاربرد معمولی زبان و واقع شدن به‌عنوان یک اثر هنری، تخیل روایی یا نمایشی است» (ژنت، ۱۳۹۲: ۳۲). تأثیر کارکرد و قابلیت تلمیح در ادبیّت کلام، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود یا دست کم به‌عنوان عاملی مهم پذیرفتنی می‌نماید.

تلمیح در بسیاری از مواقع در طنز پرخاش‌گر بروز می‌کند. طنز پرخاش‌گر نوشته‌ای است منظوم یا مثنوی که معایب را هدف قرار می‌دهد تا افراد بشر را مسخره و هجو کند. در واقع طنز پرخاش‌گر کاربرد خاص شوخ‌طبعی در راستای اهداف اخلاقی است. این نوع طنز معمولاً قصد تعلیمی روشن و مبالغه‌آمیز دارد (ن.ک: حرّی، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۴). با این توضیح اساسی‌ترین پرسش پژوهش حاضر این

است که تلمیح چه نقشی در بیان دیدگاه‌های شعرای طنزپرداز و تشریح انتقادهای اجتماعی آنان داشته است؟

## ۲-۱- پیشینه پژوهش

در کتاب بیست سال با طنز نوشته رؤیا صدر (۱۳۸۱) ویژگی‌های کلی طنز سال‌های ۶۲ تا ۸۱ بررسی گردیده و نتیجه گرفته شده که در قالب و محتوا تغییراتی اساسی در طنز امروز صورت گرفته است. در کتاب «پژوهشی در ادبیات غیر جدّ فارسی»، نویسنده با معرفی تعدادی از شعرای طنزپرداز معاصر، طنز امروز را به دلیل بهره‌مندی از جنبه‌های اجتماعی و رعایت عفت کلام، طنز واقعی معرفی می‌کند (حسینی کازرونی، ۱۳۹۵). در کتاب «دگرخند» نیز اشاراتی کلی به طنز در نثر و شعر معاصر به ویژه نوع نقیضه آن شده است (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰).

پایان‌نامه‌ای با عنوان «جایگاه طنز در شعر انقلاب اسلامی نوشته شده و نویسنده در این پژوهش نتیجه گرفته است که طنز سیاسی و اجتماعی، طعن و هجو بیگانگان، خطاهای سیاسی اصحاب قدرت داخلی و سوء رفتارهای افراد جامعه، نظیر ریاورزی و دروغ‌گویی، دست‌مایه اصلی شاعران ظریف طنزپرداز بوده است (طاهری، ۱۳۹۳). پایان‌نامه «مقایسه شیوه کاربرد تلمیح در اشعار عاشورایی چند شاعر معاصر» پژوهش دیگری است که در آن، تأثیر آرایه تلمیح در تصویرآفرینی و شیوه استفاده از این آرایه در اشعار عاشورایی بررسی گردیده است (ملکی، ۱۳۹۲). این پژوهش به قابلیت تلمیح در طنزآفرینی می‌پردازد که در پژوهش‌های پیشین کم‌تر به آن پرداخته شده است.

## ۲-۲- بحث و بررسی

تلمیح تصویری چندبعدی ایجاد می‌کند که کشف روابط و اجزای آن مانند پلی عامل پیوند تجربه‌های حسّی و انتزاعی گوینده و مخاطب است. هم‌چنین می‌تواند بازآفرینی صحنه‌هایی باشد که ضمن برانگیختن مخاطب، در ارتقاء سطح اندیشگی او مؤثر است. تلمیح در مواردی بازتاب حالت‌های روحی گوینده، عامل ایجاد فضاهای دلهره‌انگیز، امیدوارکننده و شادی‌بخش است. این شگرد

ادبی، تداعی‌کننده حوادث و صحنه‌هایی است که میدان دید مخاطب را وسعت می‌بخشد و همین موضوع در برخی موارد قدرت سنجش، جرأت تصمیم‌گیری و اقدام او را در امور مختلف بهبود می‌بخشد. بیت زیر از حافظ نمونه روشنی از قدرت و تأثیر انگیزشی تلمیح است:

شاه ترکان سخن مدعیان می‌شنود

شرمی از مظلّمه خون سیاوشش باد

(حافظ، ۱۳۶۲: ۸۶)

تلمیح برای بیان تصور و اندیشه انتزاعی، نوعی تصویرپردازی به‌شمار می‌آید. اساساً «کاربرد صناعات بلاغی برای بیان تصور و اندیشه انتزاعی زبان زنده، خلاقه و ابداعی، تصویرپردازی نامیده می‌شود» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۶). پرسش این است که آیا این تصویر صرفاً پدیده‌ای است زبانی یا فرازبانی و به خود معطوف است یا تصویری است که بر مبانی معرفت‌شناسی مبتنی است و می‌تواند در خدمت اندیشه قرار گیرد؟

به پندار نویسنده، تلمیح نوعی بازگشت به باورها و سنت‌ها نیز محسوب می‌شود. از این دیدگاه می‌تواند آیین مخاطب باشد. این موضوع را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان مطرح کرد. تلمیح در بصیرت‌افزایی و آینده‌نگری مخاطب نقشی مؤثر عهده‌دار می‌شود. البته بدیهی است که کنجکاوی مخاطب و ژرف‌نگری او نیز قطعاً بر تأثیر این کارکرد می‌افزاید. هنر گوینده بلیغ در بهره‌گیری به‌جا از این آرایه، زمینه‌های مناسب تصمیم‌گیری را برای اهداف ارزشی فراهم می‌کند. این کارکرد را در بیت زیر می‌توان مشاهده کرد:

پرویز به هر خوانی، زرین‌تره آوردی

زرین‌تره کو برخوان رو کم ترکوا برخوان

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۳۵۹)

## ۲-۱-۲- قابلیت‌ها و اهداف

شناخت قابلیت‌های و اهداف تلمیح، ارزش این شگرد ادبی را بهتر نشان می‌دهد. به همین روی در بخش زیر به عمده‌ترین قابلیت‌ها و اهداف تلمیح پرداخته می‌شود.

گفت وقت تقسیم مال بیت‌المال، داد سهم عقیل  
خود را زد

(محمد مجتبی احمدی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۵۲)  
پیوند زدن تلمیح به موضوعات اجتماعی با هدف انتقاد،  
نگاه متفاوت شعرای معاصر طنزپرداز به تلمیح است. در  
چنین شرایطی هدف اصلی شاعر صرفاً زیبایی‌آفرینی  
نیست؛ بلکه ارتقاء سطح اندیشگی مخاطب است. به  
پندار نویسنده در این نگاه نو، تشریح وضعیّت موجود  
با توجه به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی حاکم بر  
جامعه بر جنبه‌های زیبایی‌شناسی شگرد ادبی تلمیح  
غلبه دارد.

#### ۲-۱-۲- تلمیح منبعی برای الهام سراینده

یکی از منابع مهم و اساسی شعر برای بازگویی اندیشه‌ها  
و مفاهیم مورد نظر خود، داستان‌های کهن و اساطیر  
است. با توجه به ارزش و اهمیت این داستان‌ها و اساطیر  
در عرصه‌های ملی و مذهبی، آفرینندگان آثار ادبی به ویژه  
سراینندگان با الهام از این اساطیر آثاری با پشتوانه سنت‌ها  
و باورهای غنی خلق می‌کنند. اشاره به اساطیر و داستان‌ها  
نوعی احیای سنت‌ها و آداب و رسوم گذشته است. تلمیح  
بخش عمده‌ای از این وظیفه را بر عهده می‌گیرد. بنابراین  
سخنی برگزاف نخواهد بود، اگر بگوییم این شگرد ادبی،  
پل ارتباطی سنت‌های ملی و مذهبی با فرهنگ امروز  
است که خود می‌تواند در جای‌گزین شدن این سنت‌ها با  
فرهنگ‌های جعلی و کاذب مؤثر باشد؛ یعنی تجربه‌های  
معنوی از طریق تلمیح می‌تواند به خودباوری و نفی  
ارزش‌های کاذب کمک کند:

وارث پتک کاوه‌ام بنده دشمن حرف یاوه‌ام بنده  
(رباب تمدن ← صدر، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

شاعر در این بیت با تلمیح به داستان قیام کاوه در برابر  
ضحاک، تلویحاً یاوه‌گویی را ظلمی آشکار دانسته است  
و سرسختی خود را در مقابل آن با بهره‌گیری از این  
تلمیح نشان داده و به گونه‌ای خود را پرچم‌دار مبارزه با  
یاوه‌گویی قلمداد کرده است.

#### ۱-۱-۲- قابلیت تلمیح در انتقال معانی و مفاهیم

انتقال معنی و مضمون با بهره‌گیری از الفاظ مناسب  
در اثربخشی کلام و جهت‌دهی به افکار بسیار کارآمد  
است و یکی از عوامل ماندگاری شعر به‌شمار می‌آید.  
البته این موضوع را نباید فراموش کرد که الفاظ در  
ذات خود و به تنهایی توانایی این وظیفه خطیر را  
ندارند. به همین روی شعرا از ابزار هنری و شگردهای  
بلاغی برای تقویت الفاظ و توان بخشی به اثرگذاری  
آن بهره می‌برند. به پندار نویسنده این سطور تلمیح از  
جمله شگردهایی است که می‌تواند به تقویت الفاظ  
برای انتقال بهتر و سریع‌تر مفاهیم و مضامین شاعرانه به  
گوینده بلیغ یاری رساند:

عشق خودش آدم‌اشو می‌شناسه  
هیشکی همین جوری اسیر نمی‌شه  
این همه رگ زدن تو طول تاریخ  
هیشکی ولی امیر کبیر نمی‌شه

(حامد عسکری ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۵۷۰)

شاعر در انتقال مفهوم عشق واقعی به داستان کشته شدن  
امیر کبیر در حمام فین کاشان اشاره می‌کند و مقاومت،  
ایستادگی و شهامت امیر کبیر را در راه هدف والای  
خود که منجر به قتل او می‌شود با تلمیح ظریفی نشان  
می‌دهد. با این توضیح از دیدگاه شاعر عشق معرفت  
قلبی می‌خواهد.

طنز درباره انسان‌هاست و با توجه به این که بخش  
عمده‌ای از تلمیحات داستانی نوعی شخصیت‌پردازی  
است، ناهمگونی صفات شخصیت‌ها مبنای طنز می‌شود  
و می‌تواند تصویر روشنی از اختلاف بین لحن و گفتار  
افراد را به این نحو نشان داد. طبیعی است که این کارکرد،  
خود نوعی روشن‌گری در مورد شخصیت‌های متظاهر  
است. «در مواجهه با احکام جدی مذهبی، طنزنویس  
شادمانه به بزرگ‌نمایی مغایرت حرف و عمل می‌پردازد.  
تزیین و ریا همیشه موضوع‌های دم دست اوست»  
(پلارد، ۱۳۸۱: ۱۹).

یک نفر یا علی مکرر گفت دائم از عدل و داد حیدر

### ۳-۱-۲- تلمیح و معارف اسلامی

مضامین عالی عرفانی و مفاهیم حکمی و دینی، بخش قابل توجهی از معارف اسلامی را تشکیل می‌دهند که در قالب آیات، احادیث و اخبار در آثار ادبی بازتاب می‌یابند. گاهی اشاره به این آیات و احادیث مخاطب ژرفاندیش را برای بهره‌گیری از منبع این اشارات به تلاش و می‌دارد و موجب می‌شود دقایق و حقایق معرفت بر او آشکار گردد. با این وصف تلمیح برخی از مواقع بهانه‌ای می‌شود برای ترغیب مخاطب به بازجست آبخورهای معارف بشری که می‌تواند سبب تعالی روح و کمال بشری شود:

مانه از خیل ناسپاسانیم  
گوش ابلیس کر ز خامانیم  
ما کجا عن صلواتهن ساهون  
در صف یتبعهم الغاؤون

(عباس خوش عمل ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۹۲)

تلمیح دارد به آیه ۲۲۴ از سوره الشعراء: وَالشُّعْرَاءُ  
يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ.

«اسکاد بی»<sup>۱</sup> به کله آنان که آمده است

در وصفشان «اولثک انعام» می‌زنی

(جلال رفیع ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۳۵۵)

بیت اشاره دارد به آیه شریفه ۱۷۹ سوره اعراف: «وَلَقَدْ  
ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ  
بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا  
أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

هم ز دنیا عقب افتاده هم از عقبا نیز

خسرال دنیا والآخره، یعنی بنده

(علی انسانی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۰)

اشاره دارد به آیه ۱۱ سوره حج: وَ مِنَ النَّاسِ مَن  
يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ  
فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ  
الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ.

نکته درخور اهمیت در تلمیحات قرآنی طنزسرودها

۱- اسکاد بی: نوعی موشک زمین به زمین است که به ویژه در جنگ  
تحملی عراق مورد استفاده دو کشور قرار گرفت.

تفاوت فاحشی است که در شیوه به‌کارگیری این نوع  
تلمیحات در مقایسه با سایر تلمیحات دیده می‌شود.  
بدین‌گونه که احترام به کلام قرآنی جنبه‌های طنز شعر  
را بسیار کم‌رنگ کرده و شعر به‌گونه‌ای به سروده‌های  
جدی نزدیک شده است.

### ۲-۲- شیوه‌های کاربرد تلمیح در طنزآفرینی

تلمیح در شعر معاصر با کمک سایر ابزارهای زبانی  
و بلاغی موقعیت‌های طنزآمیزی خلق می‌کند. در این  
بخش مهم‌ترین شیوه‌های کاربرد تلمیح برای ایجاد این  
موقعیت‌ها بررسی می‌شود:

#### ۱-۲-۲- بزرگ‌نمایی

در برخی از موارد واقعیت‌های جهان خارج فراتر از  
آنچه هستند به تصویر کشیده می‌شوند. مفاهیم انتزاعی،  
دست‌آوردها، توان فکری و ارزش‌های انسانی نیز بیش‌تر  
و کامل‌تر از آنچه به‌واقع هستند، نشان داده می‌شوند.  
این شیوه در دنیای ادب، موجب خلق موقعیت‌های  
طنزآفرین می‌شود که البته فراتر از جنبه‌های نشاط‌آور  
با اهداف اجتماعی، اخلاقی و گاه سیاسی همراه است.

اسماعیل امینی در شعری با مطلع:

خاک ایران یکسر از دکتر پر است

هرکه دکتر نیست نان‌ش آجر است

به‌گونه‌ای مدرک‌گرایی و مدرک تراشی را به‌سخره  
گرفته و با بیت زیر اوج این تمایل را نشان داده است:

من نگویم شاعران فرموده‌اند

رخش و رستم هر دو دکتر بوده‌اند

(مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۹۶)

این کاردهای نازک/ برای بریدن نارنج‌های کوچک/ و  
دست‌های زنان مصری / مناسبتند/ برای عشق بزرگمان/  
ساطور بیاور (علی‌رضا لبش ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳:  
۶۴۰).

در این شعر که اشاره‌ای تقریباً روشن به داستان یوسف و  
زلیخا دارد، آن‌جا که زنان مصری با دیدن جمال یوسف به  
جای نارنج دست‌های خود را می‌برند، طنزی ملیح نهفته

گه گشتگه جمیله بوده است ای دوست  
 گه پستوی شنبليله بوده است ای دوست  
 گه خانه لیلی و گهی هم شیرین  
 روزی دل من طویله بوده است ای دوست  
 (رسول یونان ← مهدی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۶۱)

در تلمیح به داستان‌های عاشقانه معروف، عشق آرمانی به سخره گرفته می‌شود. این واکنش در برابر عشق از دو وجه قابل تأمل است: ۱- بی‌اعتنایی ریشه‌ای نسبت به مقوله عشق‌های آرمانی ۲- مشکلات اجتماعی و رفتاری‌های زندگی صنعتی امروز.

### ۳-۲-۲- دو معنایی

گاهی یکی از اجزای تلمیح که معمولاً اسم است، دارای دو معنی است و در شعر ایهام ظریفی ایجاد می‌کند. نکته درخور توجه این است که همین واژه نیز نقشی مهم در معناآفرینی دارد و عامل طنز شعراست و اجزای دیگر زمینه‌سازی لازم را برای چنین موقعیتی طنزآمیز فراهم می‌کنند:

نه گندمی و نه یار گندم‌گونی  
 ما هم دلمان خوش است آدم هستیم  
 (بیژن ارژن ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۷۰)

واژه «آدم» در پیوند با «گندم» در بیت بالا اشاره به داستان حضرت آدم و میوه ممنوعه دارد. در ضمن آدم بودن در معنای راستین آن «انسان بودن» را نیز تداعی می‌کند.

می‌کند امشب به ضرب تیشه‌ای دشت جنون  
 افتتاح شعبه دوم به نام «بیستون»  
 (سعید سلیمان‌پور ← مهدی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۵۱)

کوه آیینی «بیستون» که نماد تلاش صادقانه، پایداری و صداقت در عشق است، در پیوند با تیشه یادآور داستان عاشقانه فرهاد و شیرین است. در ضمن نام یکی از شعبه‌های بانک صادرات در کرمانشاه است. این ایهام از نمونه‌های نو ایهام در شعر معاصر است.

### ۴-۲-۲- تلمیحات حماسی یا حماسه مضحک

تلمیحات حماسی که از والاترین اشکال ادبی شمرده

است. به تعبیری نیشخندی قوی به عشق‌های پوشالی و زودگذر دارد. «ترکیبات»: «کاردهای نازک» و «نارنج‌های کوچک» در برابر عشق بزرگ قرار گرفته است؛ یعنی دو اسم ذات در برابر یک اسم معنا. کلمه «ساطر» جنبه طنز تلمیح را تکمیل کرده است. در واقع نقطه اوج این شعر، همین واژه است. با این وصف می‌توان گفت این به اصطلاح بزرگ‌نمایی عشق، تشریح سرمستی جوانان و عشق‌های آتشین آنان است که به آبی اندک فرو می‌نشینند. چنین عشقی (یا عاشقی) شایسته ساطور است؛ یعنی شوق شقه شدن و از بین رفتن.

از نیل چشم‌های تو فیلی عبور کرد

تاریخ مات مانده ز جغرافیای تو  
 (سعید نوری ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۷۳۲)

شاعر در بیت ذکر شده به داستان عبور حضرت موسی و یارانش از رود نیل اشاره دارد. اگر کلیدواژه‌های این داستان را به قرار زیر در نظر بگیریم: موسی، نیل فرعون و عبور از نیل، در بیت مورد بحث، تنها شاهد ذکر دو جزء از اجزای چهارگانه هستیم؛ یعنی: نیل و عبور کردن. آنچه به این تلمیح جنبه طنز بخشیده است، عبور فیل از چشم است. درست است که در ادب فارسی درشت‌چشمی از نمادهای زیبایی‌شناسی شمرده می‌شود، اما مبالغه در آن دقیقاً نشانه زشت‌رویی و نابهنجاری است. با این توضیح شاعر در این بیت به هجو موصوف خود پرداخته است.

### ۲-۲-۲- کوچک‌نمایی

کوچک‌نمایی نیز گونه‌ای واقعیت‌گریزی است که در خلق صحنه‌های طنزآمیز نقشی تأثیرگذار دارد. «کوچک‌نمایی» و «بزرگ‌نمایی» در ارتباط دو سویه با یکدیگرند؛ یعنی اگر مفهومی را تابع بزرگ‌نمایی قرار دهیم، مفهوم دیگری تابع کوچک‌نمایی قرار خواهد گرفت» (صفوی، ۱۳۹۱: ۴۱۵).

باید دانست که در این شیوه به‌ویژه انسان و توانایی‌های او هدف طنزپرداز است. در شعر زیر از رسول یونان، دل آدمی از آن جایگاه رفیعش تا حد طویله‌ای تنزل پیدا کرده است:

می شود، فضای مناسبی برای تحریفات طنز در شعر معاصر ایجاد کرده است. تمجیدهای تمسخرآمیز که می تواند نوعی تحقیر باشد از دستاوردهای این نوع تلمیحات است. در طنز حماسی از طریق مقایسه، مبالغه‌ای خنده‌آور شکل می گیرد و بدین گونه موقعیت طنز ایجاد می شود: گرتو خواهی دخترم را ای جوان بگذری باید تو از این هفت خوان

خوان اول مدرک لیسانس توست  
لاتطولت که تنها شانس توست  
خوان دوم کارت پایان خدمت است  
زود اجرا کن که این یک سنت است  
خوان سوم در ره آمال تو  
هست یک ماشین و ترجیحاً پژو  
خوان چهارم ای جوان تاب دار  
کار و بار چرب و نان آب دار  
خوان پنجم در وصال این عروس  
خانه و ویلایی اندر کندلوس<sup>۲</sup>  
ای جوانک خوان شیشم مهریه است  
مهریه در حکم خون و ارثیه است  
خوان هفتم هم که اصل زندگی است  
سر به زیری و اطاعت بندگی است

(عباس احمدی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۵)

این طنز با زبانی گویا یکی از گرفتاری‌های زندگی اجتماعی را که باز خورد مشکلات اقتصادی است، بازگو می کند. دشواری ازدواج جوانان به گذشت از هفت خوان که می تواند خطر مرگ را به دنبال داشته باشد و گاه نیز ناممکن می نماید، تشبیه شده است؛ با این تفاوت که رستم با گذشت از هفت خوان به افتخاری بزرگ دست می یابد، حال آن که در این جا خوان هفتم خود آغاز بندگی و گرفتاری است.

من همان هستم که شیر سیستان

گرسز را بر دیو لاکردار زد

(محمد جاوید ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۵۱)

بیت اشاره دارد به کشتن دیو سپید در خوان هفتم. در این تلمیح عناصر اصلی عبارت اند از: شیر دستان، گرز و دیو. در این میان، ترکیب استعاری «شیر دستان» به جای رستم، جنبه بلاغی کلام را تقویت کرده است. اساس طنز این بیت نیز بر تلمیح استوار است که با نوعی فرافکنی طنزآمیز، تصویر روشنی از دعاوی و لاف زنی های رایج و به تعبیر نویسنده این سطور حماسه دروغ را نشان می دهد.

بیت زیر نمونه دیگری از تشبیهات حماسی مضحک است:

زرد گردد رخ ما گر که کسی پخ بکند

گرچه هر یک چو یکی رستم زال آمده ایم

(مرتضی فرجیان ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۵۸۲)

#### ۵-۲-۲- در آمیختن سنت و مدرنیته

پدیده‌ها و پیش آمدهای نو زمینه مناسبی برای ایجاد تصاویر و بیان اندیشه‌های نو شاعرانه فراهم کرد و این فرصت به درستی مورد استفاده شعرای معاصر قرار گرفت؛ زیرا که «شبکه تداومی‌های کلیشه‌ای در شعر بسیاری از شاعران قدیم و پای بندی شاعران به توصیف‌ها و تصویرهای هم سان باعث می شد که برخی از مضمون‌ها به گونه‌ای دل آزار و ملال آور، تکرار شوند» (حسنلی، ۱۳۸۶: ۲۸۹).

در حوزه صور خیال، تلمیحات ثابت و مکرر مجالی برای مخاطب باقی نمی گذارد؛ با این حال بی اعتنایی به این عنصر بدیعی که از پشتوانه فرهنگی و اجتماعی بسیار قوی برخوردار است، در شعر خلأ تقریباً غیر قابل جبران ایجاد می کند. به همین دلیل شعرای معاصر با توجه به رخ دادهای اجتماعی و سیاسی و پدیده‌های نو به تلمیحات، حیاتی دوباره بخشیده‌اند.

در شعر طنز، شاعر می کوشد با نگاهی تازه اجزای تلمیح را به گونه‌ای در شعر خود بچیند که با ترکیب آن با عناصر جدید دنیایی نو آفریده شود و اجزای تلمیح در هیأتی نو، معانی جدیدی را خلق کنند و بدین گونه با طرح مفاهیم انتقادی موجب طرب مخاطب شوند.

۲- روستای خوش آب و هوای کندلوس در دره‌های البرز مرکزی و در جنوب دریای خزر، در میان کوه‌ها پنهان شده است

### ۶-۲-۲- مقایسه و تشبیه

در تشبیه هنگامی که موضوعات و اموری نامناسب با هم سنجیده می‌شوند و در مقابل هم قرار می‌گیرند، سبب خنده می‌شود. این امر معمولاً تعمداً انجام می‌گیرد و به ریشخند و استهزاء منجر می‌شود. در تلمیح نیز با بهره‌گیری از این ظرفیت موقعیتی فراهم می‌شود که گوینده می‌تواند مفاهیم مورد نظر خود را با زبان طنزگونه به مخاطب منتقل کند. نکته درخور درنگ این است که در چنین مواردی تلمیح و تشبیه به گونه‌ای مکمل هم‌اند و یکی بدون دیگری برای ابلاغ پیام گوینده، رسا نیست:

زن مگو در خانه دارم زلزله  
بدعق افزون طلب، کم حوصله  
در جگر خواری بود همپای هند  
در قساوت بسته دست حرمله

(عباس خوش عمل ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۹۶)

کسی که صاحب عنوان و پول و اموال است  
هزار نوکر مثل منش به دنبال است  
به هر کجا که رود خلق دور او جمعند  
ظهور حضرت او چون ظهور دجال است

(محمدحسین حسامی محولاتی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۱۲)

طنز شعر در مصراع آخر تکمیل می‌گردد. دجال عامل فریب مردمان در آخرالزمان شناخته شده است. نکته ظریف شعر آن است که بر اساس آنچه در روایات آمده است، زمان ظهور حضرت مهدی «عج»، خشکسالی اتفاق می‌افتد و مردم به شدت گرفتار فقر و نیاز می‌شوند. ظهور دجال با خرواری از مایحتاج زندگی، بسیاری را به طمع می‌اندازد و بدین‌گونه فریفته می‌شوند و از شناخت راه درست بازمی‌مانند. می‌توان گفت شاعر با توجه به مشکلات اجتماعی و اقتصادی که جامعه امروز ما گرفتار آن است با بهره‌گیری از تلمیح، سیمایی از دجال‌های امروزی را به تصویر می‌کشد:

افتاده بر شعله چو موسی ز بر طور  
سیخی به کف و شیره درآمیخته از سیخ

(محمدحسین شهریار ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۹۲)

درآمیختن مفاهیم، ابزار و اشارات تاریخی-اسطوره‌ای و ابزار و امکانات امروزی است. این درآمیختگی و هم‌جواری سنت و مدرنیته علاوه بر ایجاد فضای شاعرانه به خلق موقعیت‌های طنزآمیز منجر می‌شود. در شعر زیر قرار گرفتن، «رستم»، «بیژن» و «گاگارین» (اولین فضانورد) و پژو ۲۰۶ تصویری طنزآمیز خلق کرده است:

رستم پی تو به راه رفته

خان‌ها همه اشتباه رفته

بیژن عقب‌ت به چاه رفته

با تو «گاگارین» به ماه رفته

رؤیای تو در دل پریشم

محبوب دلم، دویت و شیشم

(نادر ختایی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۶۲)

یوسفعلی میرشکاک در شعری با مطلع:

ای مظهر قالباق‌دزدان

وی مقصد جمله زن به‌مزدان

این بیت را سروده است:

ای جام جم از تو در جهان فاش

ما نیز چو بنده در تماشاش

(مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۷۰۱)

جام جم اشاره دارد به جامی که جمشید با نگرستن در آن احوال جهان را درمی‌یافت. این تلمیح از یک عنصر اصلی و یک عنصر فرعی بهره می‌برد. عنصر اصلی، جام جم و عنصر فرعی، تماشا است. در این بیت شاعر با اشاره به این اسطوره کهن، مفهوم جدیدی از آن اراده کرده که تلویزیون است و با معنای اسطوره‌ای آن در پیوندی نزدیک است.

در شعر زیر از ابوالفضل زرویی نصرآباد، نامه‌نگاری ایمیلی و اینترنتی لیلی و مجنون به تلمیح، حیاتی دوباره بخشیده است:

نامه مجنون به حضور لیلی

می‌رسه اینترنتی و ایمیلی

(مهدی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲۳)



اشاره دارد به رفتن حضرت موسی «ع» به کوه طور و تجلی پروردگار و پاره پاره شدن کوه و بیهوشی آن حضرت بر اثر تجلی<sup>۳</sup>. شاعر در این بیت، زیرکانه بیهوشی انسان معتاد را به بیهوشی موسی تشبیه کرده و به گونه‌ای طنزآمیز، ضمن نشان دادن شدت بیهوشی معتاد، تعلق خاطر او را به لوازم اعتیاد بیان نموده است. در این شخصیت‌پردازی درواقع شاعر با بیان حالات و ویژگی‌های کمیک، کاریکاتوری از شخصیت مورد انتقاد خود را در برابر خواننده به نمایش گذاشته است. نوعی از این مقایسه‌ها را می‌توان، گونه‌ای از تشبیهات مضمیر تفضیلی دانست با این توضیح که در این نوع مقایسه نیز اغراق مسخره‌آمیز دیده می‌شود:

من جنس نداشتم دکانم دادند

یوسف نشده مشتریام دادند

(علی انسانی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۳)

#### ۷-۲-۲- بازآفرینی تلمیح

در مواردی شاعر اتفاقات و حوادث تاریخی را به گونه‌ای بازآفرینی و در روند و نتیجه کلی داستان بنابر پیام و هدف خود تغییراتی ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی هدف شاعر طنزپرداز از بهره‌گیری از تلمیح، قرار دادن مخاطب در شرایط ویژه داستان برای القای پیام مورد نظر خود است و تلمیح صرفاً بستر لازم را برای مقصود شاعر فراهم می‌کند. آنچه در این بازآفرینی اهمیت دارد و نوعی مبالغه مقبول به کلام می‌بخشد و طنز شعر نیز بر آن استوار است، همین تغییر ظریف است:

یوسف از چاه برون آمد و عکست را دید

دید و در چاه زنخدان تو این بار افتاد

دید چشمان تو مانند زلیخا هیز است

بعد از آن آمد و در گوشه بازار افتاد

(جواد زهتاب ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۰۸)

۳- اشاره دارد به آیه ۱۴۳ از سوره اعراف: وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَ لَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

یوسف هرگز با دیدن زلیخا گرفتار چاه هوا و هوس نمی‌شود؛ اما در این جا یوسف مورد نظر شاعر با دیدن عکس (عکس انتخاباتی) فریفته و گرفتار می‌گردد. اساساً این گونه تصرف‌ها در تلمیح به نوآوری و خلق تصاویر جدید در شعر منجر می‌شود و این تصویرها نیز در ایجاد فضای طنزآمیز بسیار تأثیرگذارند:

بهر آن لیلی که بد بی مهر و سرد

کارها کردم که مجنون هم نکرد

(عباس احمدی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۳)

عشق دوسویه لیلی و مجنون دست‌مایه سخن‌پردازی بسیاری از شعرا برای نشان دادن محبت بی‌ریا قرار گرفته است؛ اما در این بیت لیلی (=معشوق شاعر) به سردمهری نسبت به عاشق متهم شده است. حاصل سخن این که باز آفرینی یا تصرف عامدانه در تلمیح به دو دلیل رخ می‌دهد:

۱- خلق موقعیت طنز

۲- اغراق

دید یوسف تو را و بیچاره

از جلو شد لباس او پاره

(حمید نیک نفس ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۷۴۰)

در داستان اصلی پیراهن یوسف از عقب دریده می‌شود؛ اما در این جا شاعر اشاره کرده که پیراهن یوسف با دیدن زیبارویی از جلو پاره شده است. یوسف نماد پاکدامنی است و دریده شدن پیراهن او از عقب نشانه‌ای از این ویژگی است. دریده شدن پیراهن یوسف از جلو نشان گناه و آلودگی است. در برداشت سطحی از شعر می‌توان گفت که در این جا زیبایی معشوق به مراتب فراتر از زلیخا بوده، به گونه‌ای که یوسفی را نیر با وجود آن‌همه شرم و حیا فریفته است. بنابراین، اغراق در توصیف زیبایی معشوق با تصرف شاعر در تلمیح به داستان یوسف خلق شده است. قرار گرفتن در متن داستان نشان می‌دهد که این اغراق شاعرانه به گونه‌ای زمینه‌سازی برای فریب‌کاری و نیزنگ است. درواقع معشوق زیبای این تلمیح، زاغکی زشت‌روست

طنزپرداز با تلمیح به داستان‌های تاریخی با نیشخندی زهرآگین اساس داستان را مضحک و بی‌پایه می‌خوانند. از فحوای کلام شاعر می‌توان این‌گونه برداشت کرد که جبر زمانه و مشکلات اجتماعی و اقتصادی در این شیوه بیان شاعر کاملاً مؤثر بوده است. ظاهراً در چنین شرایطی در نقش مصلح اجتماعی ظاهر می‌شود و نادرستی و بی‌اعتباری اندیشه، شیوه و راهی را که در گذشته طی شده است، نشان می‌دهد.

یوسف از پشت نشد پاره اگر

مارک پیرهنش معروف است

(روح‌اله احمدی ← مهدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۴)

در این بیت نیز شاعر دلیل پاکدامنی یوسف را (درواقع مدعیان و یوسف‌نماها) معروف بودن مارک پیراهن و البته محکم بودن و دریده نشدن آن دانسته است. به تعبیری شاعر تلویحاً اشاره دارد که در نهان خطاهایی انجام شده؛ ولی آثاری از آن بر جای نمانده است.

چنان‌که مشاهده می‌شود این تلمیحات در بسیاری از مواقع در طنز پرخاش‌گر بروز می‌یابد. طنز پرخاش‌گر نوشته‌ای است منظوم یا منثور که معایب را هدف قرار می‌دهد تا افراد بشر را مسخره و هجو کند. درواقع طنز پرخاش‌گر کاربرد خاص شوخ‌طبعی در راستای اهداف اخلاقی است. این نوع طنز معمولاً قصد تعلیمی روشن و مبالغه‌آمیز دارد. با این توضیح طنز پرخاش‌گر از سویی بر معایب افراد می‌خندد و از دیگر سو دیگران را تشویق می‌کند تا آن معایب را ترک کنند. (ن.ک: حرّی، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۴).

از اون روزی که آدم سیب خور شد

توفن دلبری زن پرفسور شد

(سعید نوری: ← مهدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۴۶)

از دیدگاه شاعر، دلیل اصلی توانایی زن در فریب مردان، سیب خوردن آدم (میوه ممنوعه) بوده است.

#### ۹-۲-۲- یکسان‌سازی

از شیوه‌های کاربرد تلمیح به قصد طنزپردازی، تشبیه کردن افراد یا یکسان‌سازی آنان با حیوانات اسطوره‌ای و آیینی است. به پندار نویسنده، این نوع کاربرد تلمیح

که روباهی برای فریفتن او و گرفتن پنیر از منقارش زمینه‌سازی می‌کند و در نهایت این‌که داستان دغل‌بازی و خدعه‌گری در جامعه امروز ما با بازسازی داستانک زاغ و روباه و این تلمیح طنزآمیز به تصویر کشیده شده است.<sup>۴</sup>

کس نفهمد راز شور و حال من

لیلی‌ام مجنون پلنگ صورتی

(اقدس کاظمی ← صدر، ۱۳۹۵: ۱۹۶)

آمدن پلنگ صورتی (شخصیت کارتونی معروف و مورد علاقه کودکان و نوجوانان امروز) در کنار لیلی و مجنون درخور درنگ است.

#### ۸-۲-۲- استدلال طنزآمیز

منظور از استدلال طنزآمیز نوعی بیان کمیک مبتنی بر استدلالی مضحک است که تلمیح در ایجاد آن نقش اصلی را به عهده دارد. شاعر معاصر از این شیوه به‌ویژه برای بیان گرفتاری‌های امروز جامعه بشری بهره می‌برد:

تورم است و گرانی و مشکل مسکن

کنون چه موقع آواز عشق بود الاغ

نخورده بود اگر «قیس» کله پاچه خر

دگر ز خرگه لیلی نمی‌گرفت سراغ

(سعید سلیمان‌پور ← مهدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۴۸)

در شعر بالا گرانی و مشکل مسکن، گرفتاری‌های عمده جوان امروز تلقی شده است. با چنین زمینه‌ای پذیرش عشق‌ورزی‌های معمول از سوی شاعر حماقت محض خواهد بود. یادآوری داستان عشق لیلی و قیس عامری (مجنون) با هدف مضحکه دانستن این عشق‌ورزی‌ها ذکر شده و البته دلیل آن نیز چنان‌که مشاهده می‌شود، خوردن کله پاچه خر دانسته شده است. هم‌چنین بازی لفظی بین الاغ و خر و خرگه، پیام مورد نظر شاعر را تقویت کرده است.

یادآوری این نکته ضروری است که گاهی شعری

۴- شعر با این ابیات آغاز می‌شود:

زاغکی قسالب پنیری دید      هول شد زاغک ندید بدید

زود آن را گذاشت در جیبش      که دهد بر درخت ترتیش

(حمید نیک نفس ← مهدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷۳۸)

از مؤثرترین شیوه‌های طنزپردازی است؛ زیرا که انتقال معنای مورد نظر شاعر به دلیل بهره‌گیری از تشبیه به سرعت انجام می‌شود. این یکسان‌سازی می‌تواند نمادین باشد؛ یعنی حیوانی که نماد انسانی قرار گرفته است به موجودی اساطیری مانند شود:

روزی خری ز صاحب خود شکوه کرد و گفت  
آخر من فلک زده کافر که نیستم  
گرچه برابر خر عیسی نمی‌شوم  
در عین حال مثل بز گر که نیستم  
(حسن شعبانی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۷۷)

در انجیل یوحنا باب دوازدهم آمده است که حضرت عیسی (ع) هنگام ورود به اورشلیم سوار خری بوده است. باید در نظر داشت که الاغ سواری در مشرق عیب نبوده و به همین دلیل ورود حضرت عیسی سوار بر خر اشاره به صلح دوستی ایشان دارد. چون از این حیوان برای سواری در جنگ استفاده نمی‌شده است (ن.ک: شمیسا، ۱۳۷۸: ۴۲۹).

نسل خر مسیحم و چون اشتر جمل  
خدمتگزار دشمن حیدر که نیستم  
(حسن شعبانی ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۴۷۷)

### ۱۰-۲-۲- اندک بودن اجزای تلمیح

در «فرهنگ تلمیحات» عواملی که در وضوح تلمیح دخالت دارند، به شرح زیر معرفی شده‌اند:

۱- تعداد اجزای تلمیح بیش تر باشد.

۲- اجزای اصلی تر باشد.

۳- بین اجزاء ارتباط قوی تر باشد. (شمیسا، ۱۳۸۷: ۴۴).  
به‌طور معمول برای دریافت تلمیح لازم است تا حدّ ممکن اجزای اصلی داستان در شعر بیاید و هرچه ارتباط این اجزاء بیش تر و قوی تر باشد، درک تلمیح و پی‌بردن به مقصود گوینده سهل تر خواهد بود. البته در تلمیحات مذهبی به ویژه تلمیحات عاشورایی به دلیل بسامد داستان اصلی و روایات نقل شده درخصوص حوادث کربلا با اشاره‌ای بس مختصر و ذکر حتّی یک جزء تلمیح، دریافت داستان یا حادثه مورد نظر گوینده،

دور از دسترس نیست:

من از قبیله عبّاس‌های تشنه لبم  
تو از تبار همین گزمگان آب فروش  
(علیرضا قزوه ← مهدی نژاد، ۱۳۹۳: ۶۱۲)

در تلمیح به داستان تشنگی و سقایت حضرت عبّاس (ع)، ذکر کربلا، عاشورا یا شطّ فرات، تکمیل‌کننده تلمیح خواهد بود؛ ولی چنان‌که ملاحظه می‌شود در بیت مورد نظر ترکیب «عبّاس تشنه لب» نیز به قدر کافی گویاست و همین موضوع به شاعر اجازه می‌دهد با بهره‌گیری از دیگر عناصر شعری، هدف از تلمیح شاعرانه خود را تقویت کند. نکته در خور اهمیت در بیت مورد بحث جمع بستن «عبّاس» است. به پندار نویسنده همین جمع بستن که نوعی تصرّف در تلمیح است، تصویر شاعرانه‌ای خلق کرده و تکرار صحنه و حوادث کربلا را در طول تاریخ به گونه‌ای فریاد آورده است. تصرّف دیگری که شاعر در این تلمیح داشته، تقابل ترکیب «عبّاس‌های تشنه لب» در برابر «گزمگان آب فروش» است که در اصل حوادث کربلا گزمگان (پاسبانان و نگهبانان) آب را بر امام حسین (ع) و یارانش بسته‌اند. اما باور داستان زمانی اتفاق می‌افتد که گزمگان در معنای گماشتگان یزید برای فروش آب در برابر مروّت، دیانت و حقّانیت امام حسین (ع) گرفته شود که حقیقت نیز چنین است. طنز تلخ این تلمیح نیز در همین ترکیب «گزمگان آب فروش» نهفته است.

در برخی از نمونه‌های تلمیح در سروده‌های طنز به دلیل حضور نداشتن تعدادی از اجزای اصلی داستان، تلمیح وضوح کافی را ندارد؛ اما مخاطب به دلیل شهره بودن اصل داستان و تکرار آن در آثار مختلف می‌تواند با مقصود شاعر پیوند برقرار کند. در چنین شرایطی گوینده، گاهی به ذکر یک جزء از اجزای اصلی و به تعبیری یک کلیدواژه از داستان بسنده می‌کند. ذکر این نکته نیز لازم است که بیان تلمیح به صورت گزاره خبری به دریافت فهم تلمیح یاری می‌رساند:

این که با پاک‌دلان صبح و مسایی دارد  
خب! از این سفره گسترده نوایی دارد

شاعر با ذکر واژه «پله» در این بیت، عشق‌های ماشینی و تن‌آسانی‌های جوانان امروز را به سخره گرفته است.

تنها نه نگین ز دست جم می‌دزدند  
هرچه برسد ز دست هم می‌دزدند  
یک مشت خیال خام و یک مشت دروغ  
چیزی است که شاعران ز هم می‌دزدند  
(محمدرضا ترکی ← مهدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳۷)  
عمر دزدان چقدر نیز دراز است امشب  
مگر از خضر نبی آب بقا می‌دزدند  
(ابوالقاسم حالت ← مهدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۰۳)  
اما نه، کرم از سیب بود و نسل آدم  
با سیب خوردن ارتباطش ایده‌آل است

(سیدعلی میرافضلی ← مهدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳۵)  
تلمیح به داستان سامری، زال و رودابه، انگشتی  
جمشید، سیب (میوه ممنوعه) و آب بقا (آب حیات)  
از شمار پربسامدترین تلمیحات ادب فارسی شمرده  
می‌شوند. اما با توجه به نمونه‌های یاد شده می‌توان گفت  
شاعر طنزپرداز با تکیه بر جزء نمادین تلمیح، ضمن  
ایجاد فضایی طنزآمیز، تصویری نو خلق کرده است؛  
به‌گونه‌ای که مخاطب احساس می‌کند با صحنه‌های  
نمایش داده نشده‌ای از داستان‌های کهن روبه‌رو است.

#### ۱۲-۲-۲- دیگر خوانی

منظور از اصطلاح «دیگر خوانی» نوعی بهره‌گیری از  
طنز کلامی است که بنای آن بر مشکله است و سبب  
نوع بازآفرینی معنایی می‌شود. در این نوع طنز دو عامل  
دخیل است: ۱- بازی لفظی با واژه‌ها ۲- تلمیح.  
در دیگر خوانی، عمده هدف شاعر ایجاد نوعی  
برجسته‌سازی کلامی، شگفتی‌آفرینی و فریب مخاطب  
است و نکته درخور توجه این است که مخاطب نیز با  
پایان یافتن شعر از فریب خوردن خود احساس انبساط  
خاطر می‌کند:

«برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر»  
لیلی آمد دم در گفت بیا برق آمد  
(ناصر فیض ← مهدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۰۱)

هست قارون زمان، تیپ گدایی دارد  
پول‌شویی مکن این ملک خدایی دارد  
(جواد نوری ← مهدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷۲۴)

در این بیت که به داستان ثروت افسانه‌ای قارون اشاره  
شده، تنها یک جزء از اجزای اصلی داستان ذکر شده  
است، با این حال در فهم تلمیح ابهامی وجود ندارد.  
در شعر زیر از سعید نوری که به حادثه زلزله بم اشاره  
دارد، دو جزء «زلزال» و «بم» شنونده را به یادآوری  
حادثه هدایت می‌کند:

زن از زلزال، بم می‌آفریند  
برای مرد غم می‌آفریند  
(مهدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

طنز بیت در آن است که عامل زلزله بم «زن» (و به بیانی  
گناه او) دانسته شده است.

#### ۲-۲-۱۱- نمادهای اسطوره‌ای و آیینی

شاعر معاصر طنزپرداز با بهره‌گیری از تلمیحاتی که جزئی  
از اجزای آن نمادین است، تصاویری نو می‌آفریند و  
بدین‌گونه تغییر نگرش‌ها و تحولات اجتماعی را نشان  
می‌دهد.

آدمیان با سمبل و علائم و نشانه‌ها زندگی می‌کنند. خواه  
مذهبی، خواه سیاسی. هجاگوی در کار خویش یک  
ماسک می‌آفریند تا بدین‌گونه نشان دهد علامت بارزی  
در مقاصد غیر عادلانه به کار گرفته شده است. (ن.ک:  
حلبی، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۹).

زلفای رودابه دیگه بلند نیست  
پله که هس، نیازی به کمند نیست

(ابوالفضل زرویی نصرآباد ← مهدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲۴)  
زلف اساساً در ادبیات فارسی نماد زیبایی، کفر، کثرت و  
... است و در داستان زال و رودابه<sup>۵</sup> می‌توان آن را عامل  
پیوند عاشق و معشوق و نشانه عشق راستین دانست.

۵- در داستان زال و رودابه (جلد ۱) وقتی زال به دیدن رودابه می‌رود  
و او را بالای کنگره می‌بیند، از او می‌خواهد برای رسیدن آن دو به  
هم چاره‌ای بیندیشد. رودابه زلف خود را چون کمندی به سوی زال  
می‌گشاید و به او می‌گوید:

بگیر این سر گیسو از یکسوم زبهر تو باید همی گیسوم  
(فردوسی، ۱۳۸۹: ج ۱: ۱۹۹)

در مصراع اول که تضمینی از شعر حافظ است، مراد از برق روشنائی و تأثیرگذاری عشق است. شاعر در مصراع دوم برق را در معنای علمی امروزی، مساوی روشنائی به کار گرفته است.

«سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد»

بی‌خبر بود که ما مشترک کیهانیم

(همان: ۲۰۱)

در مصراع اول این بیت نیز که تضمینی از غزل حافظ است، «جام جام» نمادین اراده شده؛ اما در مصراع دوم آمدن «کیهان» (از روزنامه‌های معروف)، روزنامه پر تیراژ دیگری به نام «جام جم» را در ذهن تداعی می‌کند. این مشاکله که با کمک آرایه تلمیح ایجاد می‌شود، عامل اصلی آفرینش طنز است.

ناگهان دور زد و از تقی مرغی پرسید

یک عدد مرغک بی‌باسن پرکنده به چند

قیمت مرغ چنان بود که مجنون شد و گفت

آتقی! جوچه لیلی‌وش رقصنده به چند

(خلیلی‌فر، ۱۳۸۲: ۹۹)

مجنون شدن راوی (= دیوانه شدن) در ذهن مخاطب، داستان شیفتگی مجنون را تداعی می‌کند و راوی نیز تعمداً در مصراع دوم با ذکر واژه لیلی این باور فریبنده را تقویت کرده است. می‌توان گفت که لحن و بازی زبانی که مبنای آن تلمیح بوده، در این بیت موجب شکل‌گیری طنز شده است. یادآوری این نکته ضروری است که «طنز همواره مستلزم قدرت و ایجاز در نکته‌پردازی است. در این جاست که فرم و لحن کلی به یاری می‌آید» (پلارد، ۱۳۸۱: ۳۳).

### ۳- نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری از ابیات طنز سروده‌های معاصر، عنصر اصلی که عامل طنز آفرینی است، تلمیح است. در برخی موارد نیز که عوامل دیگری در ایجاد طنز دخالت دارند- از جمله ترکیبات عامیانه، پارادوکس و عناصری از این قبیل، شگرد ادبی تلمیح، جنبه‌های طنزآمیز شعر را تقویت می‌کند. این

موضوع بر پیوند ظریف طنز با فن بدیع دلالت دارد. در طنز سروده‌های معاصر شاعر با نگاهی تازه اجزای تلمیح را به گونه‌ای در شعر خود می‌چیند که با ترکیب آن با عناصر جدید دنیایی نو آفریده می‌شود و اجزای تلمیح در هیأتی نو معانی جدیدی را خلق می‌کنند و بدین‌گونه با طرح مفاهیم انتقادی موجب انبساط خاطر مخاطب می‌شود.

با توجه به این‌که شاعر طنزپرداز با هدف انتقاد از وضع موجود به‌طور معمول تلمیحات شعر خود را به موضوعات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیوند می‌زند، می‌توان گفت که در بیان تلمیح نوآوری دارد. در چنین شرایطی هدف اصلی شاعر صرفاً زیبایی‌آفرینی نیست، بلکه ارتقاء سطح اندیشگی مخاطب است.

در نهایت این‌که تصرف شعرای طنزپرداز در تلمیحات به نوآوری و خلق تصاویر جدید در شعر منجر می‌شود و این تصویرها نیز در ایجاد فضای طنزآمیز بسیار تأثیرگذارند.

### منابع

- ۱- بهزادی اندوه‌گردی، حسین (۱۳۷۸). طنز و طنزپردازی در ایران. تهران: صدوق. چاپ دوم.
- ۲- پلارد، آرتور (۱۳۸۱). طنز. ترجمه سعید سعیدپور. تهران: نشر مرکز. چاپ دوم.
- ۳- رزمجو، حسین (۱۳۸۲). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد. چاپ چهارم.
- ۴- ژنت، ژرار (۱۳۹۲). تخیل و بیان. ترجمه الله شکر اسداللهی تجرق. تهران: سخن.
- ۵- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲). دیوان حافظ. به کوشش سیدعبدالرحیم خلخالی. تهران: انتشارات حافظ.
- ۶- حرّی، ابوالفضل (۱۳۹۰). درباره‌ی طنز (رویکردهای نوین به طنز و شوخ‌طبعی). تهران: سوره مهر. چاپ چهارم.
- ۷- حسینی کازرونی، سیداحمد (۱۳۹۵). پژوهشی در

- ادبیات غیر جدّ فارسی. تهران: ارمغان. چاپ دوم.
- ۸- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۷). طنز و شوخ طبعی در ایران و جهان اسلام. تهران: بهبهانی.
- ۹- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۳۸). دیوان خاقانی. به کوشش ضیاءالدین سجادی. تهران: زوّار. چاپ سوم.
- ۱۰- خلیلی فر، مصطفی (۱۳۸۲). سرکه و عسل. تهران: سروا.
- ۱۱- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). فرهنگ تلمیحات. تهران: فردوس. چاپ ششم.
- ۱۲- صدر، رؤیا (۱۳۸۱). بیست سال با طنز. تهران: هرمس.
- ۱۳- صدر، رؤیا (۱۳۹۵). شکرستان. نگاهی به آثار زنان در نشریات طنز. تهران: گل آذین.
- ۱۴- صفوی، کورش (۱۳۹۱). آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی. تهران: علمی.
- ۱۵- طاهری، معصومه (۱۳۹۳). جایگاه طنز در شعر انقلاب اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی غلامرضا کافی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.
- ۱۶- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن. چاپ اول.
- ۱۷- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. ۸ جلد. تهران: مرکز دائرةالمعارف اسلامی. چاپ اول.
- ۱۸- مالکی، فاطمه (۱۳۹۲). مقایسه شیوه کاربرد تلمیح در اشعار عاشورایی چند شاعر معاصر (سعید بیابانکی، سید حسن حسینی، علیرضا قزوه، علی معلم دامغانی، علی موسوی گرمارودی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی محمد مجوزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل.
- ۱۹- مهدی‌نژاد، امید (۱۳۹۳). قهوه قندپهلوی. تهران: سوره مهر. چاپ چهارم.
- ۲۰- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). یک بغل کاکتوس. مشهد: سپیده باوران.
- ۲۱- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۰). دگر خند، درآمدی کوتاه بر طنز. هزل و هجو در تاریخ و تاریخ معاصر. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.